

لازم به ذکر است: متن ذیل پیاده شده از صوت درس می‌باشد و هیچگونه ویرایشی روی آن اعمال نشده است.

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمین و صلی الله تعالی علی سیدنا و نبینا ابوالقاسم محمد و علی آله
الطیبین الطاهرین المعصومین لا سیمای بقیة الله فی الارضین ارواحنا فداه و عجل الله
تعالی فرجه الشریف و لعنة الله علی اعدائهم اجمعین.

السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا أَبَاعَبْدَ اللَّهِ وَ عَلَی الْأَزْوَاجِ الَّتِي خَلَّتْ بِفَنَائِكَ عَلَیْكَ مِنِّي سَلَامُ اللَّهِ [أَبْدًا] مَا
بَقِیْتُ وَ بَقِیَ اللَّیْلُ وَ النَّهَارُ وَ لَجَعَلَهُ اللَّهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنِّي لِزِیَارَتِكُمْ السَّلَامُ عَلَی الْخُسَیْنِ وَ
عَلَى عَلِی بْنِ الْخُسَیْنِ وَ عَلَی أَوْلَادِ الْخُسَیْنِ وَ عَلَی أَصْحَابِ الْخُسَیْنِ يَا لیتناه کثّاً معهم
فنفوز فوزاً عظیماً.

اللَّهُمَّ الْعَنْ أَوَّلَ ظَالِمٍ ظَلَمَ حَقَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ ، وَ آخِرَ تَابِعٍ لَهُ عَلَى ذَلِكَ ، اللَّهُمَّ الْعَنْ
الْعِصَابَةَ الَّتِي جَاهَدَتِ الْخُسَیْنِ، وَ شَايَعَتْ وَ تَابَعَتْ وَ تَابَعَتْ عَلَى قَتْلِهِ ، اللَّهُمَّ الْعَنْهُمْ جَمِيعاً

بحث در بیان مفاد روایت مورد استدلال بود مقدماً و تمهیداً برای بعض اشکالاتی که به
ذهن می‌آید که مانع از حجیت صدوری این روایت می‌شود و همچنین مانع از دلالت روایت
ممکن است بگویم می‌شود به این‌جا رسید مطلب که امام سلام الله علیه توضیح دادند به
حسب این نقل که کسانی اجازه‌ی جهاد دارند که این‌ها در این مرتبه‌ی بالا از ایمان و عمل
صالح باشند حاصلش این شد دیگر، که خواندیم دیروز، این از نظر کسانی که اجازه‌ی
جهاد دارند در چه موردی اجازه‌ی جهاد دارند این مؤمنون دارای آن اوصاف در چه موردی
اجازه‌ی جهاد دارند؟ در جایی که مظلوم واقع شده باشند و به آن‌ها ظلم شده باشد «إِنَّ
لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ظُلُمَاتٌ لَّيْلِيَّةٌ» (حج، 39) و بعد امام این ظلم را تفسیر فرمودند، فرمودند
این ظلم عبارت است از این که حقوق آن‌ها اموال آن‌ها در دست کفار هست در دست
مشرکین هست در دست اهل خلاف است و از این جهت چون آن‌ها سلطه پیدا کردند بر
اموال این‌ها فلذا است این‌ها مظلوم واقع شدند و آن‌ها ظالم هستند خدای متعال اذن
داده که این اموال‌تان را بروید مقاتله کنید از دست ظالم‌هایتان بگیرید و بعد فرمود که
مؤمنون فی کلّ زمانٍ بحجة هذه الآية یقاتلُ مؤمنوا کل زمان، مؤمنون تمام ازمنه من
ازمنه الرسول صلی الله علیه و آله و سلم الی ازمنه بعد ذلک همه به همین حجت که
اموال آن‌ها دست مشرکین و کفار و اهل خلاف و یا حتی شیعیانی که ظالم هستند یعنی
گناه‌کار هستند آن‌ها هم این اموال برای آن‌ها نیست فقط برای مؤمنون صد در صدی
است که آن مرتبه‌ی بالا را دارند از این جهت اجازه‌ی جهاد به ایشان داده شده است تا

این که می‌رسد به این جا می‌فرماید که « وَ إِنَّمَا أَدْنَى اللَّهِ - عَزَّ وَ جَلَّ - لِلْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ قَامُوا بِمَا وَصَفَ اللَّهُ - عَزَّ وَ جَلَّ - مِنَ الشَّرَائِطِ الَّتِي شَرَطَهَا اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ فِي الْإِيمَانِ وَ الْجِهَادِ، وَ مَنْ كَانَ قَائِمًا بِتِلْكَ الشَّرَائِطِ، فَهُوَ مُؤْمِنٌ، وَ هُوَ مَظْلُومٌ، وَ مَاذُونٌ لَهُ فِي الْجِهَادِ بِذَلِكَ الْمَعْنَى؛ وَ مَنْ كَانَ عَلَى خِلَافِ ذَلِكَ، فَهُوَ ظَالِمٌ، وَ لَيْسَ مِنَ الْمَظْلُومِينَ، وَ لَيْسَ بِمَاذُونٍ لَهُ فِي الْقِتَالِ، وَ لَا بِالنَّهْيِ عَنِ الْمُتَكْرِ وَ الْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ » این‌ها می‌گویند که به آن صفت نیستند مأذون به امر به معروف و نهی از منکر هم نیستند « لِأَنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَهْلِ ذَلِكَ، وَ لَا مَاذُونٌ لَهُ فِي الدُّعَاءِ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ؛ لِأَنَّهُ لَيْسَ يُجَاهِدُ مِنْهُ، وَ أَمْرٌ بِدُعَائِهِ إِلَى اللَّهِ وَ لَا يَكُونُ مُجَاهِدًا مَنْ قَدْ أَمَرَ الْمُؤْمِنُونَ بِجِهَادِهِ، وَ خَطَرَ الْجِهَادِ عَلَيْهِ وَ مَنَعَهُ مِنْهُ » یعنی حذر الله الجهاد عليه و منعه الله من الجهاد « وَ لَا يَكُونُ دَاعِيًا إِلَى اللَّهِ - عَزَّ وَ جَلَّ - مَنْ أَمَرَ بِدُعَاءِ مُلِهِ إِلَى التَّوْبَةِ وَ الْحَقِّ وَ الْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيِ عَنِ الْمُتَكْرِ؛ وَ لَا يَأْمُرُ بِالْمَعْرُوفِ مَنْ قَدْ أَمَرَ أَنْ يُؤْمَرَ بِهِ، وَ لَا يَنْهَى عَنِ الْمُتَكْرِ مَنْ قَدْ أَمَرَ أَنْ يُنْهَى عَنْهُ. فَمَنْ كَانَتْ قَدْ تَمَّتْ فِيهِ شَرَائِطُ اللَّهِ - عَزَّ وَ جَلَّ - الَّتِي وَصَفَ بِهَا أَهْلُهَا مِنْ أَصْحَابِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ هُوَ مَظْلُومٌ، فَهُوَ مَاذُونٌ لَهُ فِي الْجِهَادِ كَمَا أُذِنَ لَهُمْ فِي الْجِهَادِ » همان‌طور که به اصحاب پیامبر اذن داده شده هر کس این صفات را داشته باشد در طول زمان به آن‌ها هم اذن داده شده چرا؟ این چیزی که قبلاً می‌گفتم این روایت خودش دلالت می‌کند بر این که احکام مشترک است این ذیل «لَأَنَّ حُكْمَ اللَّهِ - عَزَّ وَ جَلَّ - فِي الْأَوَّلِينَ وَ الْآخِرِينَ وَ قَرَائِضُهُ عَلَيْهِمْ سَوَاءٌ، إِلَّا مِنْ عِلَّةٍ، أَوْ خَادِثٍ يَكُونُ» مگر یک وجهی برای افتراق پیدا بشود و الا احکام یکی است «وَ الْأَوَّلُونَ وَ الْآخِرُونَ أَيْضًا فِي مَنَعِ الْخَوَارِثِ شُرَكَاءُ، وَ الْقَرَائِضُ عَلَيْهِمْ وَاحِدَةٌ، يُسْأَلُ الْآخِرُونَ عَنْ أَدَاءِ الْقَرَائِضِ عَمَّا يُسْأَلُ عَنْهُ الْأَوَّلُونَ، وَ يُخَاسَبُونَ عَمَّا يَخَاسَبُونَ وَ مَنْ لَمْ يَكُنْ عَلَى صِفَةٍ مِنْ أَدْنَى اللَّهِ لَهُ فِي الْجِهَادِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ، فَلَيْسَ مِنْ أَهْلِ الْجِهَادِ، وَ لَيْسَ بِمَاذُونٍ لَهُ فِيهِ حَتَّى يَفِيَّ بِمَا شَرَطَ اللَّهُ - عَزَّ وَ جَلَّ - عَلَيْهِ، فَإِذَا تَكَامَلَتْ فِيهِ شَرَائِطُ اللَّهِ - عَزَّ وَ جَلَّ - عَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُجَاهِدِينَ، فَهُوَ مِنَ الْمَأْذُونِينَ لَهُمْ فِي الْجِهَادِ» بعد می‌فرماید این‌جوری هست مسئله « فَلْيَتَّقِ اللَّهَ - عَزَّ وَ جَلَّ - عَبْدُ، وَ لَا يَغْتَرَّ بِالْأَمَانِيِّ الَّتِي تَهَى اللَّهُ - عَزَّ وَ جَلَّ - عَنْهَا مِنْ هَذِهِ الْأَحَادِيثِ الْكَاذِبَةِ عَلَى اللَّهِ الَّتِي يُكَذِّبُهَا الْقُرْآنُ » این روایاتی که در دهن‌ها افتاده و در آن زمان‌ها مخصوصاً این‌جوری بوده هی شما را می‌خوانند به این طرف و آن طرف، این‌ها این احادیث دروغ شما را مغرور نکند که وارد یک چیزی بشوید که شرایطی که خدا قرار داده در آن شرایط را ندارید «وَ يَتَّبِعُ مِنْهَا وَ مِنْ ...» تا آخر که دیگر راجع به این مسئله هست این حاصل مضمونی که در این روایت طولانی بیان شده که قسمتی از جمله‌های آن هم احتیاج به دقت دارد در معنا کردن که ضمائرش به کجا برمی‌گردد و مراد چیست.

س: ...

ج: حالا ببینیم غرائب دارد یا نه.

چند سؤال این‌جا وجود دارد که همان‌ها ممکن است من الغرائب باشد یا از مسائلی است که یمنعنا از این که بگویم این روایت مورد قبول هست یعنی حیثش را بتوانیم بپذیریم مسئله‌ی اول این است که

س: ...

ج: دارند، اما آن‌هایی که ندارند خودشان ظالم هستند مظلوم نیستند.

س: ...

ج: امام علیه السلام فرمودند هر کسی که مشرکون آنها، پس دومرتبه باید بخوانم به خاطر شما

س: ...

ج: امام معنا فرمودند، فرمودند نه ظالم کسی است که این صفات را ندارد پس بنابراین اینها استحقاق جهاد با آنها را دارند. می‌فرمایند که، حالا چون طولانی هست حفش این بود که مراجعه می‌فرمودید حالا من یک ...

س: ...

ج: شما خودتان دارید معنا می‌کنید بآئهم ظلموا، درست، اتفاقاً آن راوی خودش به امام این سؤال را طرح کرده که آقا بآئهم ظلموا، اهل مکه ظلم کردند به مهاجرین، آنها را از اموالشان، خانه‌هایشان، چه بیرون کردند آنها را مصادره کردند این برای نسبت به آنها درست است اما به نسبت به سایر اعراب برای چی؟ که اهل مکه نبودند آنها که چنین کارهایی نکرده بودند نسبت به کفار اینها چرا؟ مشرکین چرا؟ آنهایی که شهرستان‌های دیگر، جاهای دیگر مثل ایران، می‌گوید آقا نسبت به قیصر برای چی؟ روم چکار کرده بودند؟ نسبت به کسری که حالا کسری نوشته مثل این که صحیحش کسری است نسبت به حالا، نسبت به کسری‌ها و کسری چرا؟ آنها چکار کرده بودند به مسلمین که آمدند با آنها جنگیدند؟ آنها را چه می‌گویید؟ حضرت جواب دادند فرمودند که این اهل مکه از دو جهت ظلم کردند یکی این که اینها را بیرون کردند اذیت کردند چه کردند این یک جهت است جهت دوم آن این است که تمام ما فی الارض، همه‌ی اینها برای خدا و رسول و این جور مؤمنین است اینها مالکش هستند و چون در دست کفار، مشرکین، قیصر و روم و نمی‌دانم کسری و فلان و اینها این اموالی که برای چنین مؤمنینی است غلبه بعد پیدا کردند بر آنها، بر این اموال سلطه پیدا کردند نمی‌گذارند به دست آنها برسد پس بنابراین ظالم هستند اینها همه ظالم هستند پس بنابراین به اذن الله می‌تواند با آنها بجنگد. حالا من این قسمت را برای شما بخوانم تا این که این شبهه هم از ذهن شما بیرون برود. «قُلْتُ فَهَذِهِ تَزَلَّتْ فِي الْمُهَاجِرِينَ» «قَلَمَّا تَزَلَّتْ هَذِهِ الْآيَةُ- أَذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بِأَتْنَهُمْ ظَلَمُوا فِي الْمُهَاجِرِينَ الَّذِينَ أَخْرَجَهُمْ أَهْلُ مَكَّةَ مِنْ دِيَارِهِمْ وَ أَمْوَالِهِمْ أَجَلٌ لَهُمْ جِهَادُهُمْ بِظُلْمِهِمْ إِيَّاهُمْ» خدای متعال حلال فرمود و اجازه داد بر آنها جهاد کردن با اهل مکه به خاطر ظلمی که اهل مکه به آنها کرده بودند که آنها را اخراج کردند از اموالشان بیرون کردند از خانه‌هایشان بیرون کردند «وَأَذِنَ لَهُمْ فِي الْقِتَالِ» فقلت، حالا راوی می‌گوید من اشکال طلبگی کردم «قُلْتُ فَهَذِهِ تَزَلَّتْ فِي الْمُهَاجِرِينَ بِظُلْمِ مُشْرِكِي أَهْلِ مَكَّةَ لَهُمْ قَمَّا بَالُهُمْ فِي قِتَالِهِمْ كِسْرَى وَ قَيْصَرَ وَ مَنْ دُوْنَهُمْ مِنْ مُشْرِكِي قَبَائِلِ الْعَرَبِ» این دون یعنی غیر، غیر اینها از مشرکی قبائل العرب، آنها که دیگر اینها را بیرون نکرده بودند بر اموال آنها مسلط نشده بودند پس جهاد آنها به چه حساب بود «قَالَ لَوْ كَانَ إِتْمَا أَذِنَ لَهُمْ فِي قِتَالِ مَنْ ظَلَمَهُمْ مِنْ أَهْلِ مَكَّةَ فَقَطْ لَمْ يَكُنْ لَهُمْ إِلَى قِتَالِ جُمُوعِ كِسْرَى» یعنی لشکریان کسری «وَ قَيْصَرَ وَ غَيْرِ أَهْلِ مَكَّةَ مِنْ قَبَائِلِ الْعَرَبِ سَبِيلِ» اگر معنای آیه این بود که فقط برای آنها بود جنگ‌های دیگر اینها راهی به آن نداشتند آن جنگ‌های دیگر مجوز نداشت «لِأَنَّ الَّذِينَ ظَلَمُوهُمْ غَيْرُهُمْ» در آن صورت آنهایی که ظلم به ایشان کردند غیر آن کسری و جموع کسری و قیصر و سایر مشرکین عرب بود غیر آنها بوده «وَ إِتْمَا أَذِنَ لَهُمْ فِي قِتَالِ مَنْ ظَلَمَهُمْ مِنْ أَهْلِ مَكَّةَ لِإِخْرَاجِهِمْ إِيَّاهُمْ مِنْ دِيَارِهِمْ وَ أَمْوَالِهِمْ بِغَيْرِ حَقٍّ وَ لَوْ كَانَتْ الْآيَةُ إِتْمَا عَنَّتِ الْمُهَاجِرِينَ الَّذِينَ ظَلَمَهُمْ أَهْلُ مَكَّةَ كَانَتْ الْآيَةُ مُرْتَفَعَةً الْقَرْصِ

عَمَّنْ بَعْدَهُمْ إِذَا لَمْ يَتَّقِ مِنَ الظَّالِمِينَ وَ الْمَظْلُومِينَ أَحَدٌ» پنجاه سال بعد نه مهاجرین دیگر در دنیا بودند و نه اهل مکه، همه مردند دیگر آدم‌های بعدی‌ها به چه دلیل دارند جنگ می‌کنند این جنگ‌هایی که بعد شد به چه دلیل بود؟

س: ...

ج: حالا شما صبر کنید ببینید این چه می‌گوید آن وقت جواب شما در این جا هست دیگر. این اشکالاتی است که الان به ذهن شما آمد این جوری می‌گفتید که این، حالا می‌گوید که چی؟ «وَ كَانَ قَرْصُهَا مَرْفُوعاً عَنِ النَّاسِ بَعْدَهُمْ إِذَا لَمْ يَتَّقِ مِنَ الظَّالِمِينَ وَ الْمَظْلُومِينَ أَحَدٌ» ولی «وَ لَيْسَ كَمَا ظَنَنْتَ وَ لَا كَمَا ذَكَرْتَ» آن جور که تو خیال کردی معنای آیه نیست آن جور که تو گفתי معنای آیه‌ی شریفه نیست «وَ لَكِنَّ الْمُهَاجِرِينَ طَلَمُوا مِنْ جِهَتَيْنِ ظَلَمَهُمْ أَهْلُ مَكَّةَ بِإِخْرَاجِهِمْ مِنْ دِيَارِهِمْ وَ أَمْوَالِهِمْ فَقَاتَلُوهُمْ بِإِذْنِ اللَّهِ لَهُمْ فِي ذَلِكَ وَ ظَلَمَهُمْ كَيْسَرَى وَ قَيْصَرٌ وَ مَنْ كَانَ دُونَهُمْ مِنْ قِبَائِلِ الْعَرَبِ وَ الْعَجَمِ بِمَا كَانَ فِي أَيْدِيهِمْ مِمَّا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ أَحَقَّ بِهِ مِنْهُمْ» که قبلاً هم گفتند دیگر، دیروز خواندیم روایتش را که تمام این اموال برای خدا و رسول و آن مؤمنون دارای آن صفات است می‌فرماید آن‌ها هم چون سلطه‌ی بر اموال این‌ها پیدا کردند همه‌ی این‌ها برای آن مؤمنین است «فَقَدْ قَاتَلُوهُمْ بِإِذْنِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ لَهُمْ فِي ذَلِكَ وَ يَحُجَّةٌ هَذِهِ الْآيَةُ يُقَاتِلُ مُؤْمِنُو كُلِّ رَمَانٍ» امروز هم اگر مقاتله‌ای بخواند باشد می‌گوییم بابا، به این‌ها می‌گوییم که، به اروپایی‌ها به آمریکایی‌ها به قبائل عرب به همه‌ی کسانی که، می‌گوییم آقا این اموال ما هست بدهید نمی‌دهید جنگ، این به خدمت شما عرض شود که آن چیزی که در این جا وجود دارد اشکالی که این جا هست چند مطلب هست مطلب اول این است که خلاصه‌ی این مطلب این شد که همه‌ی جهاد اسلام سر پول است سر اموال است چون پول‌مان و اموال‌مان دست این‌ها هست مظلوم شدیم خدا اذن داده که بجنگید و پول‌هایتان را بگیرید این است؟ یعنی هدف از این قتال و این جنگ‌های اسلامی فقط همین بوده که این سرزمین‌ها برای ما هست و این پول‌ها برای ما هست و این اموال برای ما هست و این‌ها، شما غاصب هستید بی‌خود بر این‌ها سلطه پیدا کردید یا الله، برای این است؟ یا برای اعلا‌ی کلمه‌ی حق است؟

س: ...

ج: آقا من دارم این جا را می‌گویم شما اجازه بدهید حدیث را این جوری خواندیم دیگر، دارد می‌فرماید این است می‌فرماید وجه این که ظلم شده و بعداً هم اجازه به آن‌ها داده شده این است که این‌ها ظلم شدند چرا ظلم شدند؟ حتی قیصر، حتی روم، بخاطر این که این اموال، آن سرزمین‌ها، آن اموال، آن چیزهایی که دست آن‌ها بوده این‌ها برای مؤمنین است بخاطر این اجازه به ایشان داده شده پس تمام هدف از جهاد را و فلسفه‌ی جهاد در این روایت این جوری که این راوی از امام دارد نقل می‌کند منحصر شده به چی؟ به برای دنیا و این که اموال ما دست آن‌هاست.

س: ...

ج: همان جواز فقهی به خاطر این است آخر جواز فقهی یعنی خدای متعال که اجازه‌ی قتال داده برای این که مال‌تان دست آن‌ها هست برای این است؟ یا برای این است که نه موانع از گسترش اسلام را برطرف بکند موانع از احیای کلمه‌ی حق را برطرف بکند جلوی این که کلمه‌ی حق گرفته می‌شود این‌ها را هموار بکند بله یکی از فوائدش هم البته این است که این اموال اگر برای آن‌ها باشد به دست این‌ها برسد اما تمام مؤمنو کل زمان که

جهاد می‌کنند و همه‌ی این‌ها و همه‌ی این‌ها منحصر بشود در این، این یک چیزی است که انسان خیلی مستبعد به نظر می‌آید با بقیه‌ی آیات با بقیه‌ی روایات با آن‌چه که در جاهای دیگر ذکر شده سازگار نیست فلذا به حدی این استبعاد دارد که نمی‌شود گفت که ادله‌ی حجت خبر این‌جا را می‌گیرد این‌جا، یعنی ما اطمینان بر خلاف داریم یا بگو دست پایین بگیرد مطمئن‌ی بر خلاف داریم اماره‌ای که ظنّ بر خلافش باشد فکیف به این که اطمینان بر خلافش باشد آن حجت نیست این یک سؤال.

س: ...

ج: کلّ جهاد را دارد حضرت می‌فرماید.

س: ...

ج: نه کل جهاد را دارد چون آن گفت خدا به چه کسی اجازه‌ی جهاد اصلاً داده؟ و اجازه‌ی دعوت به اسلام داده دعوت به حق داده؟ حضرت می‌فرماید این‌ها، به این‌ها اجازه داده این‌ها موردش جایی است که مظلوم باشند مظلوم هم چرا هستند بخاطر این جهت، حدیث این است حالا ما بخواهیم دست از آن برداریم و این‌ها ظاهر حدیث این است دیگر، حالا این حدیث هم طولانی است باید چند بار مطالعه کنی کما این که من چند بار مطالعه کردم برای این که درست ببینیم که چه می‌خواهد بفرماید.

خب این یک جهت، جهت دوم این است که اصل این مسئله که می‌فرماید تمام اموالی که دست ...

س: ...

ج: نه پذیرفتیم دیگر، اشکال وارد است.

س: ...

ج: بابا یک جهت که نگفته که.

س: ...

ج: آن اتفاقاً حالا می‌گویم اتفاقاً این یکی از مشکلات این حدیث هم همین است که بین آن سؤال که طرح کرده و آن‌چه که در ادامه حضرت در مقام جواب او به نقل این آقا، ما که این‌ها را کلام امام نمی‌دانیم حرف امام نمی‌دانیم یعنی مشکوک است امام این‌جوری فرموده باشند. بدجور تلقّی کرده مثل تقریراتی‌هایی که از درس‌ها گاهی می‌نویسند آدم می‌رود مطالعه می‌کند می‌بیند که این‌ها غیر آن‌هایی است که آن گفته. گاهی این‌جوری هست دیگر، آدم واقعاً، من خودم هم گاهی می‌بینم بعضی‌ها یک چیزهایی نوشتند به من می‌دهند می‌بینم که من نگفتم این حرف‌ها را، این‌جور تلقّی کرده حالا این راوی هم آمده خدمت امام سؤال طرح کرده امام هم این‌جا استدلالی اگر جواب دادند و با قرآن جواب دادند و این‌ها، این بعد حالا ممکن است بعد هم چون می‌بینید چند طبقه گذشته دیگر، حالا ممکن است آن زبیدی یا زبیری خودش درست تلقّی کرده بعد آن آمده برای قبلی نقل کرده آن قبلی آمده برای بعدی نقل کرده همان‌طور که هی دهان به دهان می‌گردد هی گاهی آن ظرافت‌ها، آن خصوصیاتش هی چه می‌شود؟ فلذا هر چه واسطه بیش‌تر

می‌خورد مشکلاتش بیش‌تر می‌شود و قرب الاسناد، کتاب‌های قرب الاسناد و روایات قرب الاسناد که اهمیت داشته برای همین است که هر چه واسطه کمتر باشد این احتمال خطا و اشتباه و سهو و این‌ها درش کمتر خواهد شد فلذا اهمیت دارد قرب الاسنادها، حالا این‌جا این به آن گفته، آن به آن گفته، آن به آن گفته، تا به دست ما رسیده خدا می‌داند که حالا چه به سر آن حرف‌ها درآمده که امام علیه السلام فرموده این‌جور که شما می‌فرمایید بله، اگر امام فرموده بود در آن جای بخصوص این وجهش بود این بله، اما این را نمی‌فرماید این‌جا، دارد می‌فرماید که اصلاً خدا به این‌جور آدم‌ها اجازه‌ی داده که آن سؤال کرد گفت جهاد برای عده‌ای خاص است یا برای همگان است؟ آن هم جهاد به چی؟ الى الدعوة الى الله، این‌جور گفته که «أَخِيْرُنِي عَنِ الدُّعَاءِ إِلَى اللَّهِ وَ الْجِهَادِ فِي سَبِيلِهِ» این، نه جهاد برای این که مال‌مان را به دست بیاوریم اموال‌مان را از دست ظالمین و دزدان برگردانیم نه، «عَنِ الدُّعَاءِ إِلَى اللَّهِ وَ الْجِهَادِ فِي سَبِيلِهِ أَوْ هُوَ لِقَوْمٍ لَا يَحِلُّ إِلَّا لَهُمْ» این را، این که این را گفته سؤالش این است امام در مقام جواب از این سؤال هستند بعد این‌ها که دعوت الى الله نمی‌شود این فقط برای این است که اموال‌مان را از دست آن‌ها بگیریم آن‌ها می‌خواهند جهنم بروند، بروند می‌خواهند کافر باشند، کافر باشند ما هدف‌مان چه هست؟ هدف‌مان این است که این اموال ما که به دست آن‌ها هست از دست‌شان بگیریم با جهاد. پس بنابراین دیگر دعاء الى الله نمی‌شود دعوت الى الله نمی‌شود جهاد فی سبیل الله نمی‌شود.

س: ...

ج: چه ربطی دارد؟

س: ...

ج: نمی‌گویند، می‌گویند خدا به این مؤمنون اجازه داده بروید با جنگ پول‌های‌تان را بگیرید اما دیگران چون خودشان ظالم هستند پولی ندارند جایی، این را دارد این را می‌گویند می‌گویند بقیه ظالم هستند خودشان، پول ندارند پیش کسی، اموال ندارند پیش کسی، اما مؤمنون این‌چنینی این اموال این پول‌ها برای این‌ها هست پس به این‌ها اجازه داده شده بروید جنگ کنید این‌ها بگیرید بیاوریدخب این است که این اشکال دارد دیگر؛ هی می‌گوییم که این روایت مفادش یک مفادی است که نمی‌شود به آن ملتزم شد یعنی خیلی مستبعد است این حرف.

س: ...

ج: جزء بیان نمی‌کند شما دومرتبه، عبارت را خواندیم دیگر، چون از بس این طولانی هست نمی‌شود حالا یکی یکی، شما دوباره مطالعه بفرمایید من الصدر الى الذیل که مطالعه می‌فرمایید این قضایای منطقی که چیده شده در این روایت کنار همدیگر، همین سیر را افاده می‌کند که اول امام علیه السلام کسانی که یجوز لهم القتال را توصیف فرموده که این‌ها هستند ثمّ جایی که می‌توانند قتال کنند را بیان فرموده حالا این‌ها کجا حق جهاد دارند؟ جایی که ظلم به ایشان شده ظلم چه‌جور به ایشان شده؟ به این که این اموال آن‌ها هست دست این‌ها هست این‌ها غاصب شدند این‌ها مسلط بر اموال‌شان شدند پس، و بعد هم فرمود و بحجت هذه الآية یقاتل مؤمنو کلّ زمان،

س: ...

ج: یقاتلوا مؤمنو، نه به حجت این آیه، نه با این‌هایی هم که می‌توانند همه‌ی مجاهدون هر زمانی به حجت همین آیه هست که دارند قتال می‌کنند یعنی منشأ آن و مستند آن در این قتال این آیه‌ی شریفه است.

س: ...

ج: نگفته یکی. گفته من جمله، این‌جور نگفته، شما دوباره مطالعه کنید. من یک چیزهایی می‌گویم شما باید بروید تطبیق کنید دیگر این‌جوری فایده‌ای ندارد.

س: ...

ج: حالا دارم می‌گویم حالا یکی یکی، این یک اشکال بود.

اشکال دوم: اشکال دوم این بود که پس سؤال و جواب با هم تناسب ندارد سؤال این بود که دعوت الی الله و فی سبیل الله بود این چیزی که بیان شده دعوت الی الله و فی سبیل الله نیست بلکه مقاتله‌ای است برای استنقاذ اموال و حقوق،

سه: سه این است که در این روایت فرض شده که تمام اموال مشرکین، کفار، و اهل خلاف و حتی شیعیانی که گنه‌کار هستند این‌ها مالک اموال‌شان نیستند این اموال برای مؤمنون حق است و این بر خلاف ضرورت فقه است نسبت به شیعیان که ضرورت قطعیه‌ی فقه است نسبت به مشرکین و اموال آن‌ها، آن چیزی که ما نسبت به اموال مشرکین و این‌ها داریم این است که آن‌ها هم برای آن‌ها هست ولی محترم نیست نه برای آن‌ها نیست فرق است بین این دو تا مطلب، یکی این که می‌گوییم آن‌ها اصلاً مالک این‌ها نیستند غاصب هستند اگر این است پس احکام ملک را نمی‌توانیم بر آن بار کنیم اصلاً خرید و فروش با آن‌ها غلط است لایع الا فی ملک، برای آن‌ها نیست. پس باید تمام معاملاتی که مشروط به ملک است ما بگوییم این‌ها باطل است و حال این که این‌طور نیست مسئله‌ی دوم این است که نه مالک هستند اما ملک‌شان محترم نیست یعنی می‌توانی برداری، این هم گفته شده که بله اگر کافر، کافر حربی باشد اگر در ضمه‌ی اسلام باشد مالش هم محترم است جانش هم محترم است مادامی که در ضمه‌ی اسلام است اما اگر از ضمه‌ی اسلام خارج شد، شد حربی، محترم نیست مالش، البته امروز باز همان‌طور که استفتاء کردند و زمان امام هم رضوان الله علیه ایشان هم فرمودند الان به خاطر این که ثمه‌ی بدی برای اسلام و مسلمین دارد ما حق نداریم الان این کار را بکنیم یعنی برویم مثلاً در سوپر مارکت فرض کنید در فرانسه بگویید آقا برای کفار است و همین‌طور برمی‌دارد. این باعث می‌شود که بگویند مسلمان‌ها دزد هستند این ثمه‌ی خلاف دارد به عنوان ثانویه الان این کار محرم است ولی اگر چنین اشکالی نبود بله این اموال آن‌ها محترم نیست مادامی که آن‌ها کفار هستند و در ضمه‌ی اسلام هم نباشند.

س:

ج: آن موقعی که چنین ثمه‌ای بر علیه مسلمین نباشد الان این‌چنینی است الان دیگر ...

س: ...

ج: بله ببینید

س: ...

ج: نه حالا عرض می‌کنم ببینید این زمان الان شده همه‌ی دنیا اولاً با این دوربین‌ها و نمی‌دانم کذا و این حساسیت‌هایی که وجود دارد و اخبار همه‌جا منتشر می‌شود و امثال این‌هایی که الان وجود دارد این زمان یک خلاف، یک چیزی منتشر در عالم می‌شود سوژه درست می‌شود خبرنگارها و رسان‌ها و کذا و کذا در بوق می‌کنند و دنبال این هستند که این کار را بکنند الان این‌جوری هست اما یک زمان‌هایی که اصلاً این شهر از آن شهر خبر نداشت این ده از آن ده خبر نداشت الا یک وقتی یک کسی از این جا برود آن‌جا، حالا یک نفر مسلمان اگر، بعد هم آن دوربین‌ها نبود چه نبود فلان نبود حالا یواشکی اگر رفته بود از یکی از یک‌جا برداشته بود یک چیزی را چنین آثاری بر آن مترتب نمی‌شد آن موقع.

س: ...

ج: نه به این شکل امروز، آن عالم‌گیر و فراگیر ...

س: ...

ج: نه فراگیر شدن، عالم‌گیر شدن امروز خیلی تفاوت با سابق دارد خیلی تفاوت با سابق دارد. آن هم در یک محدوده‌ای برای امیرالمؤمنین سلام الله علیه بوده نه در تمام عالم اسلام. در یک محدوده‌ای آن‌جایی که تبلیغ می‌کردند آن‌جاها بله ائمه‌ی جمعه‌شان و کذاهایشان و بالای منبرهایشان می‌گفتند این‌ها بعد از یک مدتی یک عده‌ای گول خورده بودند.

س: ...

ج: آن الارض و ما فیها للامام دو تا معنا دارد یکی این است که همان که لله، یعنی آن‌ها مالکیت تکوینی دارند چون واسطه‌ی در فیض هستند واسطه‌ی در خلق هستند فلذا لهم است. همان‌طور که می‌گوید لله است نه این که مالکیت اعتباری دارد آن‌ها مالکیت حقیقی دارند چون واسطه‌ی در فیض هستند از این جهت بله مالک هستند.

س: ...

ج: نه شما ببینید خیلی تسرّع در بدون، چه فرمایید آن‌هایی که دارند نسخه‌شان اشکال دارد آن‌ها بیان شده در آن‌جا. بخاطر این که غنائم جنگی خمس دارد آن‌ها خمس آن را نمی‌دهند آن وقت اما فرمود از آن می‌روند نه در مهریه‌های زن‌های‌شان، چون کنیز می‌خرند پس معامله‌شان می‌شود فزولی است فرمود ما حالا کردیم برای شیعیان‌مان تا مبتلا به این جهت نشوند آن علتش این است که یک پنجم آن غنائم یا کلّ غنائم احکام خاص دارد آن‌ها انجام نمی‌دهند می‌روند با نفس آن مال، با نفس ...

س: ...

ج: بله، چرا، شما بروید نگاه کنید این‌ها این‌جوری است فلذا فرمود که مناکب و منازل و این‌ها بخاطر این جهت است اما اگر به خدمت شما عرض شود که یک کافری رفته با پول خودش رفته کشاورزی کرده یا احیای موات کرده یا چه کرده ثمری به دست آورده می‌رود ازدواج می‌کند که آن نمی‌گوید حرام زاده است که، آن‌ها را که نمی‌گوید که آن‌ها حلال

زاده هستند به اموالی که خودشان دارند درست است امیر المؤمنین سلام الله علیه به حسب نقل برای یهودی هم کار کردند آن بیست و پنج سالی که ایشان کنار بودند برای امرار معاششان گاهی کارگر یهودی شدند و از او پول گرفتند معامله کردند اجیر شده آن هم ثمن داده آن هم برای الاجاره به ایشان داده.

س: ...

ج: نه معامله دارند می‌کنند نه این که می‌خواهد از دستش استنقاذ کند به خاطر این کار. این جور نیست این‌ها همین جور به خدمت شما عرض شود که ...

پس بنابراین این هم مطلب دوم که حالا من دیگر این را تمامش کنم که از این روایت، به خدمت شما عرض کنم که پس بنابراین مضامینی که در این روایت وجود دارد یک: این که آمده و مقاتله‌ها را منحصر کرده از این روایت استفاده می‌شود که مقاتله‌ها فقط موردش ظلم است ظلم هم منشأش این است این با کتاب و سنت و سیره نمی‌سازد. این اولاً. دو: این که وجه ظلم را این قرار داده که تمام این اموال برای مؤمنون حقاً هست فلذا بخاطر این این جهت این جهت هم محل اشکال هست بخصوص این که بگوییم برای حتی شیعیانی که گنه‌کار هستند برای آن‌ها هم نیست و آن‌ها هم مالک اموالشان نیستند. سه: جواب با آن که مورد سؤال هست سازگاری ندارد آن دعوت الی الحق و فی سبیل الله است این برای استنقاذ اموال و چیزهای خودتان است و مسئله‌ی دیگر این است که در این روایت فرموده است که ...

س: ...

ج: بله امر چهارمی هم در ذهنم بود از ذهنم رفت حالا ببینیم اگر بعد آمد به ذهنم که ...

این‌ها اشکالاتی است که ما بر مضامین ...

بله اشکال چهارم هم این است که شرایط کسانی که اذن جهاد به ایشان داده شده یک شرایط سنگینی قرار داده شده این شرایط سنگین بر خلاف چه هست؟ بر خلاف ضرورتی است که در خارج محقق شده یعنی تمام جنگ‌جوها، تمام کسانی که در جهادها، غزوات، غیر غزوات، سریه‌ها و این‌ها شرکت می‌کردند آیا کسانی بودند که در این حد بودند؟ این جور بودند؟ و فقط به آن‌ها اجازه داده شده؟ این هم یک امری است که لایمکن الالتزام به، چون یک مقام خیلی بالایی را قرار داده مرحوم مجلسی قدس سره رد ملاز الاخیار فرموده «ثمّ الظاهر من هذا الخبر عدم جواز الامر بالمعروف و النهی عن المنکر الا للمعصوم أم من بلغ درجة الکمال فی العلم و العمل و لم يقع منه الفسوق و الضلل و کذا الدعاء الی دین الحق و هذا خلاف المشهور و سائر الاخبار» یا در این حد، بنابراین این هم امر چهارمی است که در این‌جا در این روایت وجود دارد. پس مشکل است که ما بتوانیم صدور این روایت شریف را بپذیریم صدور این روایت را بخاطر این جهت، حالا اگر از این غمض عین کردیم آیا جواب دیگری داریم برای این؟ مرحوم مجلسی قدس سره دو سه تا جواب دیگر دادند که بنابراین که غمض عین کنیم از این اشکال که آیا آن جواب‌ها چیست دیگر فرصت تمام شد ان شاء الله فردا.

و صلی الله علی محمد و آل محمد.